



## سوره مبارکه صافات

- آیات ۱ تا ۳: سه آیه اول این سوره، قسم است و قسم‌ها به صورت زنجیره‌ای می‌باشند، یعنی پیوستگی دارند.
- قَسَم به:

  - ✓ صافات
  - ✓ زاجرات
  - ✓ تالیات ذکر

- در این سوره قسم به «تالیات ذکر» خورده شده است و در سوره مبارکه مرسلات، قسم به «ملقیات ذکر» خورده شده است. این دو سوره هر دو از سوره ملائکه هستند.
- آیه ۴: إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ: خدا می‌گوید: من یکی هستم. یعنی خدای آسمان، زمین، دریاها، انسان‌ها و ... همه یکی است، به این معنا که قوانینی که در هر جایی حاکم است از یک منشأ بوده و باعث ایجاد «صف» می‌شود.
- «صف» یعنی یکپارچه و یک‌نظام، لذا یگانگی خداست که صف ایجاد می‌کند.
- آیه ۵: خصوصیت «اله» را مطرح می‌کند که «رب هستی و رب مشرق‌ها» می‌داند.
- آیه ۶: درباره آسمان است.
- آیه ۷: درباره شیطان است که قدرت استراق سمع ندارند. یعنی می‌شد که خدا به شیطان اجازه استراق سمع بدهد و شیطان هم آن را بر علیه انسان به کار گیرد. شیطان قبلاً قدرت استراق سمع داشته است ولی آن را از او گرفته‌اند و این نشان می‌دهد که دشمنی که ما با او مواجه هستیم، قدر است و آن را ساده نپنداریم. دشمن را نباید ساده پنداشت زیرا دشمن، دشمنی می‌کند و توانش هم بالاست. ممکن است ما معنی وحی را نفمیم ولی دشمن می‌فهمد و از آن به خوبی در راه منفی استفاده می‌کند.
- آیات ۱۲ تا ۱۴: سبک این آیات جالب است زیرا خدا به پیامبر (ص) می‌گوید: «ای پیامبر آنها تعجب کردند که تو چه کردی و آنها چه کردند. آنها تو را مسخره می‌کنند و تو تعجب می‌کنی. تو یاد می‌کنی و آنها یاد نمی‌کنند. آیات که نازل می‌شوند آنها ریشخند می‌زنند و نمی‌پذیرند.
- آیه ۱۵: پیامبری که در این سوره است، پیامبری شگفت‌انگیز است و برای همین به او «ساحر» می‌گویند و خود پیامبر هم شگفت زده است.
- آیه ۱۶: در این آیه شگفتی و تعجب دشمنان بیان شده که آیا می‌شود بمیرند و خاک شوند.
- آیه ۱۷: پدرانمان که خاک شده‌اند را چگونه برمی‌گردانی؟
- آیه ۱۹: «نفخه» در سوره‌های مختلف با بیان‌های مختلف آمده است، در این سوره با واژه «زجره» آمده است. در آیات ابتدایی سوره نیز واژه «زاجرات» داشتیم. به عبارتی این سوره، سوره زجر است.
- آیه ۲۰: دیدید که خاک بر سرمان شد.
- آیه ۲۱: ای وای این همان یوم الفصل است.
- آیه ۲۲: کسانی هستند که ظلم کرده و «ازواج» هم دارند. ازواج یعنی گروه‌ها و بت‌هایی مانند خودشان که می‌پرستند.
- آیه ۲۳: آنها را به سمت «جحیم» هدایت می‌کنند. توجه کنید که با واژه «هدایت» آمده است.
- آیه ۲۴: افرادی را که به سمت جهنم برده می‌شدند، متوقف کنید تا بازخواست شوند. این آیه به نوعی «احتجاج» است.
- آیه ۲۵: چرا همدیگر را یاری نمی‌کنید؟

- آیه ۲۶: آنها نمی‌توانند جواب دهند و خدا خودش جواب می‌دهد که «آنها از تسلیم شدگانند».
- آیه ۲۷: از همدیگر می‌پرسند.
- آیات ۲۸ و ۲۹: دعوایشان می‌شود و عده‌ای می‌گویند: تقصیر شما بود، اگر شما نبودید ما گمراه نمی‌شدیم و آنها هم می‌گویند: تقصیر خودتان بود.
- آیه ۳۰ و ۳۱: کسانی که رهبر بودند می‌گویند: «درست است که ما پیشرو بودیم ولی سلطان نداشتیم و شما را مجبور نکردیم و اگر خودتان طاعی نبودید دنبال ما راه نمی‌افتادید. بدیهی است آدمی که دنبال آدم بد، راه می‌افتد، خودش نیز بد است. کسی که طرفدار آدم بیخود است یعنی خودش هم بیخود است».
- آیه ۳۲: ما خودمان نیز گمراه بودیم.
- آیه ۴۰: این آیه بسیار سنگین است. خدا عده‌ای از عباد مخلص را جدا کرده و انگار آیات وصف بقیه را می‌کنند.
- اگر «الّا» را «بل» معنی کنیم شاید کمی دلگرم کننده باشد، وگرنه اگر «الّا» در نظر بگیریم، به این معناست که باید عباد مخلص شویم وگرنه مصداق این آیات قرار می‌گیریم.
- آیه ۵۰: در بهشت هم مباحثه وجود دارد.
- آیه ۵۱: یکی می‌گوید: من در دنیا یک قرینی داشتم.
- آیه ۵۲: هر روز که مرا می‌دید می‌گفت: آیا قیامتی هست؟
- آیه ۵۴: آی بهشتیان این رفیق مرا ندیدید؟
- آیه ۵۵: آنها اراده کردند و دیدند که رفیقشان وسط دوزخ است.
- آیه ۵۶: نزدیک بود تو من را منحرف کنی.
- آیه ۵۷: خدا به من رحم کرد.
- آیه ۶۰: آخ جون مرگ.
- آیه ۸۵: این تعجب است. گفتیم که در قیامت هر دو گروه متعجب هستند.
- آیه ۸۸: ستاره‌ها را نگریست.
- آیه ۸۹: حالش خیلی بد بود و مریض احوال بود.
- آیه ۱۱۳: فکر نکنید که هر کسی بد شد پدر و مادرش بد بوده است.
- آیه ۱۲۸: این آیه نشان می‌دهد که اگر کسی جزء عباد مخلص نباشد در جامعه با مسائلی روبه‌رو می‌شود که نمی‌تواند آن را هضم کند. در زمان حضرت ابراهیم (ع) مشکل بت‌پرستی است و در زمان حضرت اسحاق (ع) ستاره‌پرستی و در زمانی هم عرفی‌گرایی. عرفی‌گرایی در هر زمانی چیزی است و اگر انسان جزء عباد مخلص نباشد، در این عرفی‌گرایی‌ها قفل می‌کند.
- آیه ۱۳۳: زمان حضرت لوط (ع) انواع بداخلاقی‌ها مطرح است.
- آیه ۱۳۸: بخشی از شب را برای فکر کردن بگذارید.
- آیه ۱۴۰: وقتی آیه می‌گوید: حضرت یونس (ع) فرار کرد به این معناست که جان حضرت مانند یک بنده فراری در خطر بود. «ابق» برای یک بنده فراری به کار برده می‌شود.
- آیه ۱۴۳: کسانی که درباره انبیاء سخنان ناروا می‌گویند و به آنها نسبت ترک اولی می‌دهند، در آخرت خواهند فهمید که چه قدر اشتباه کرده‌اند. آنها خواهند فهمید که وقتی حضرت یونس (ع) فرار کرده و سوار کشتی شده است برای نجات جان بوده ولی آنقدر

دلش پر از رحمت بوده و از درون جوش هدایت مردم را می‌زده است. نهنگی این جوش درونی حضرت را فهمیده و او را گرفته و در درون خود او را حفظ کرده و به وقتش ایشان را بیرونش داده است.

- تسبیحی که برای پیامبر خدا گفته می‌شود با آنچه که ما می‌فهمیم بسیار فرق می‌کند. او جزو مسبِّحین بود.

- آیه ۱۴۴: سزااست که هر کسی عدم تسبیح دارد در بطن ماهی و یا بطن سِجَنش تا روز قیامت بماند.

- آیه ۱۵۴: اگر جلوی کارهای خلاف در جامعه گرفته نشود و امر به معروف و نهی از منکر نشود، طبع انسان به این‌گونه حرف زدن در مورد خدا کشیده می‌شود.

- آیه ۱۶۶: خدا تسبیح‌کننده بسیار دارد

- آیه ۱۷۲: این آیات الکی نیستند. همانطور که کربلا الکی نبود.

- آیه ۱۷۲: آنها توانستند دینشان را نگه دارند، یعنی خدا نصرت کرد دینشان را نگه داشتند.

- آیه ۱۷۳: حاضرید جانتان را بدهید تا دینتان را حفظ کنید؟

- آیه ۱۷۹: آیات آخر مربوط به امام زمان است و ایشان می‌خوانند.

- سُور «مرسلات» و «صافات» سوره‌هایی عاشورایی هستند.

دعا؛

\* انشاءالله به روایات اهل بیت، نورانی شویم،

\* انشاءالله اهل بیت غم و اندوه را از دل ما ببرند،

\* انشاءالله به ذهن، قلب و دل ما بیندازند که دعا کنیم که از «مخلصین و مخلصین» شویم.

به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین